

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۲۹ - جمعه ۲۲ تیر ۱۳۹۷، ۱۳ جولای ۲۰۱۸

www.kurdistanmedia.com



حزب دمکرات کوردستان
ایران از بیانیه آمریکا استقبال
می‌کنیم

۸



مصاحبه کوردستان با
دکتر قاسملو

۴



تروریسم در سیستم سیاسی ایران
نهادینه شده است.

۳



ترور وین و مرگ ایرانیت

۲

سفن

پیام خورشید

کریم پرویزی

نگارش و گفتار در مورد رهبری کبیر و وارسته به مانند دکتر قاسملو، بس شهامتی می‌طلبد. بزرگمردی که نه تنها رهبرجنبش آزادیخواهی یک ملت بود و رهبری قافله کوردستان بسوی آزادی را در دست داشت، بلکه با گذشت سالیان و دهه‌های متمادی، بیشتر زوایای گوناگون زندگی انقلابی وی نمایانتر میشود و ابعاد عمیق تفکر و اندیشه‌های او و واقع بینی و تیزبینی و بدر همه زمانها اثبات میشود و نوینتر بودن آنهاامروز برای ما نمایان میشود.

سخنی میتواند یارای ابراز فکر و اندیشه قاسملووی رهبر را داشته باشد که حداقل در این سطح از دانایی و آگاهی که او داشت، وی نیز مطالعه و درک داشته باشد. این نیز بدان معنا نیست که هیچ کس نباید به آنچه که دکتر قاسملو و از آن سخن نگفته و به آن نیاندیشیده است، تعمق نکند. یا اینکه باید دقیقا همان شیوه تفکر و گفتار را داشته باشیم که وی داشت.

طبیعی است که زندگی ادامه خواهد یافت و جامعه تغییر میکند و پارامترهای جهانی و منطقه‌ای دچار تغییر میشوند، بنابراین نسل به نسل ضروری است که ملتی دوباره و از نو خویش و وضعیتی را که در آن قرار گرفته است و آرزوها و مکانیزمهای رسیدن به آن آرزوها را بازخوانی کند و سعی نماید راه دیگری بیابد، یا راههای قدیمی را اصلاح و به روز کند.

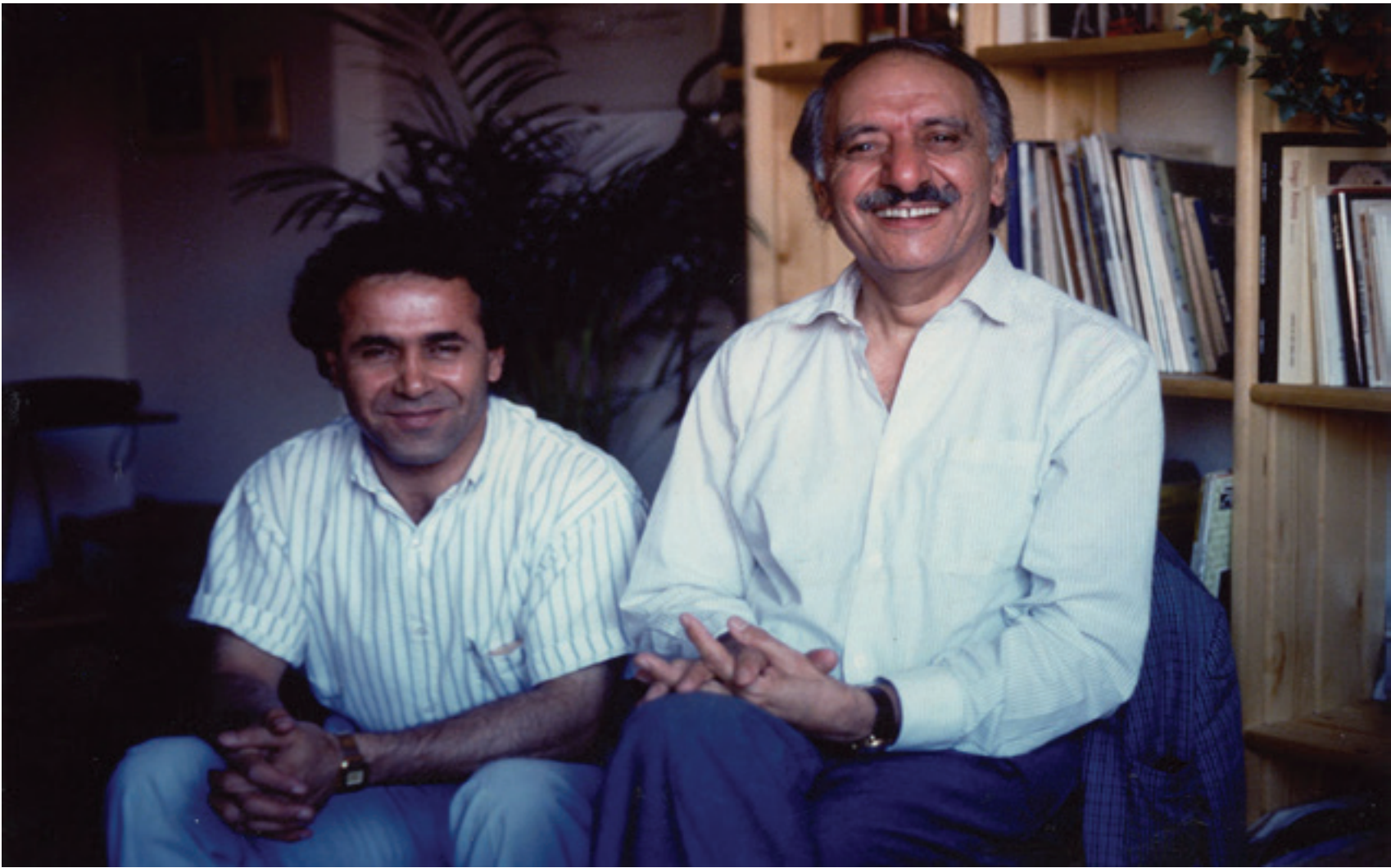
اما آنچه که می‌خواهم در چند سطر بیان کنم، ابراز نظر در مورد فکر قاسملو نیست،

آزادی فداکاری می‌خواهد،
جانفشانی می‌خواهد.

ادامه در صفحه‌ی ۲



ترور وین و مرگ ایرانیت



ادامه‌ی سخن

چون شجاعت آن را ندارم که خود را وارد چنین منبع فکری عظیم کنم. بلکه تنها این است که ما نسلهای پس از قاسملوی رهبر، زمانی که به سخنانش گوش فرا میدهیم و عمل و مبارزه و زندگی و انقلاب وی را بازخوانی میکنیم، وظیفه ما چیست؟ آیا فقط همچون رویدادی تاریخی مواضع و عمل وی را بنگریم و چنین تصور کنیم که سپری شده و به تاریخ پیویسته یا باید دقیقا همان عمل را انجام دهیم و تکرار همان موضع و رفتار را داشته باشیم و در واقع تنها نسخه نامدونی از رفتارهای او باشیم؟

آنچه که بدان میاندیشم عبارتست از آنچه که نسل و فرزندان امروز و شاید فردا هم چنین باشند که شرایط زندگی و انقلاب و جنبش ملتمان را مینگریم. رهبری کبیر به مانند دکتر قاسملو در ذهنمان نقش بسته است و سخنان و مواضعش راهنمای کار و فعالیت ما است. وظیفه ما این است که در محورهای اصلی تفکر و درسهای وی تعمق کنیم و بر اساس همان محوریت اندیشه زندگی و مبارزه امروزان را سازماندهی کنیم.

به معنایی دیگر شاید نتوانیم به مثابه منبعی فکری از آزموده‌های قاسملو بیاموزیم و همانگونه بیاندیشیم و ودشوار است طبیعت به در آیندهای نزدیک نمونه‌ای از او را دوباره به ما بخشاید. اما میتوانیم شیوه تفکر و موضعگیری خود را از وی یاد بگیریم و امروزان را با آن سازماندهی کنیم.

در چنین اندیشه‌ای است که میتوانیم از فکر و تلاش دکتر قاسملو بهره ببریم و در همان حال نیز چیزی را پایه‌ریزی کنیم که دستاورد امروز خودمان است، که اگر درست رفتار نکردیم تاوان آن را بر عهده رهبر عظیم الشانمان نگذاریم.

اینجاست که فکر و رفتار قاسملوی کبیر برای ما و نسلهای پس از ما همچون پیام خورشید خواهد شد که هر چند دستانمان از رسیدن به منبع نور، یعنی خورشید کوتاه است، اما در پیام خورشید که عبارتست از روشنایی و مبارزه علیه تاریکی یاد خواهیم گرفت پرتو خورشید را روشنایی بخش راه امروز فردایمان قرار خواهیم.

آگری اسماعیل نژاد

ترجیح می‌دهم این نوشته را با نکته چینی از یکی از مصاحبه دکتر عبدالرحمان قاسملو آغاز کنم. "ما [کوردها] همچنان که گفتیم میخواهیم تمام خواسته‌هایمان را در داخل ایران و در چهارچوب استقلال و تمامیت ارضی ایران به تحقق برسانیم". وی این گفته را در اواخر سال ۱۳۶۴ و در مصاحبه با علی لیمونادی اظهار کرده است.

دکتر قاسملو در مصاحبه با لیمونادی خواست حزب دمکرات کوردستان ایران را چنین مطرح می‌کند: "ما خواهان یک ایران دمکراتیک هستیم، در چهارچوب ایران دمکراتیک برای کوردستان خودمختاری برای کوردستان هستیم، همچنان که خواهان حقوق ملی دیگر خلق‌های ستم دیده ایران هستیم، ما ترجیح می‌دهیم که حقوق ملت‌های ستم‌دیده به شکل فدراتیو حل بشود، ایران وحدت و استقلال خودش را حفظ بکند، ولی همه در چهارچوب این وحدت و استقلال به حقوق خودشان برسند".

دکتر قاسملو در ادامه همین مصاحبه ابراز می‌کند: "بعد از رژیم خمینی و بعد از اینکه مردم ایران دو دیکتاتوری را پشت سر گذاشتن، باید به این نتیجه رسیده باشد، که تنها یک رژیم دموکراتیک براساس پلورالیسم سیاسی، براساس اینکه هر سازمان و گروهی آزادانه بتواند در چهارچوب یک کشور جمهوری خواست خود را اظهار بکند و برای پیشبرد عقاید خودش مبارزه بکند، در یک چنین چهارچوبی میتواند ایران ما هم استقلال خود را حفظ کند و هم به کشورهای دمکراتیک بپیوندد".

گفته‌های فوق نگاه یک دیپلمات به موضوعی است که

در سپهر سیاسی ایران به عنوان "مسئله کورد" شناخته شده است.

این گفته‌ها را میتوان در قالب "رتال‌پولتیک" قرار داد، البته رتال پولتیک نه به مفهوم "داشته‌ها" و "توانسته‌ها"، بلکه بر اساس "ضرورت زمانی برای جلوگیری از رفع یک شر".

آنچه در سپهر سیاسی ایران "مسئله کورد" خوانده می‌شود، در واقع پوششی زبانی برای سرکوبی سیستماتیک است، که بر اساس این سیستم سرکوب "هویت کوردی یا کوردستانی" باید بدون کسب هیچ حقوقی در هویتی دیگر (هویت ایرانی) استحاله شود.

نظام سرکوبی که در پس پرده "مسئله کورد" قرار دارد، بر این باور است که باید یک هویت جمعی (در اینجا به مشخصی کورد بودن) که بر نهاده براساس آیت‌های طبیعی یک جامعه انسانی یا هدف کسب قدرت برای محافظت از خود و تحقق خواسته‌های خود است، باید از افکار عمومی کوردستان پاک و یا در افکار عمومی این

جامعه مخدوش شود. در این نوع سرکوب، شرط قربانی بودن اعضاء این جامعه انسانی مبادرت ورزیدن به یک "عمل" خاص نیست، بلکه داشتن یک هویت خاص است. برای تبیین موضوع فوق باید گفت: کورد بودن یک اراده جمعی است که جمع آن، براساس مشخصه‌های طبیعی جامعه انسانی شکل گرفته است؛ تا قدرت لازم برای محافظت از خود و تحقق خواسته‌های یک جامعه انسانی را کسب کند.

در نظام سرکوبی که برای سرکوب هویت کوردی از طرف حاکمان ایران طراحی شده است، سرکوب بر اساس مشخصه‌های طبیعی جامعه کوردستان انجام می‌شود، نه براساس اینکه آیا این فرد خود

را بخشی از هویت کوردی به معنای اراده جمعی برای کسب قدرت در راستای حق تعیین سرنوشت می‌داند یا نه؟! پس در این نظام فارغ از اینکه اعضاء جامعه کوردستان خواستی خطاب به حاکمان داشته باشد و یا حرکتی در ضدیت با قانون، سیاست و منافع حاکمان انجام داده باشد، توسط سیستم سرکوب صرفا به دلیل داشتن مشخصات طبیعی یا پایه‌ای یک هویت خواهان حق تعیین سرنوشت، به عنوان "عنصر نامطلب" شناخته می‌شود و این "عنصر نامطلب" وارد چرخه سرکوب می‌شود.

نظام یا چرخه سرکوب موجود در کوردستان را می‌توان با نظام سرکوب یهودیان در عصر حکومت دینی کلیسا در اروپا مقایسه کرد، در آن نظام هم فارغ از اینکه فرد یهودی رفتاری بر علیه حاکمان کلیسا انجام داده باشد یا نه؟! صرفا به دلیل یهودی بودن بعنوان متهم در قتل یسوس (عیسی مسیح) شناخته میشد و در زمره "عنصر نامطلب" قرار می‌گرفت.

پس راهکار دکتر قاسملو برای "مسئله کورد"، در مرحله اول تلاش برای توقف هرچه زودتر سیستم سرکوب کوردستان و خروج از وضع موجود بود؛ چون در وضع موجود هزینه تقبل شده به جامعه کوردستان

توسط نظام سلطه حاکمان ایران یک هزینه "درازه" یا "جاری" است، در راه به معنی هزینه‌های که بصورت روزانه افزایش می‌یابد.

دکتر قاسملو بر همین اساس است که میگوید ما خواسته‌هایمان را در چهارچوب ایران به تحقق می‌رسانیم.

قاسملو در اینجا می‌خواهد همزمان هم جامعه فارسی که جامعه حاکمان ایران است، در تقابل با هویت کوردی قرار نگیرند و هم حربه تمامیت

ارضی که به بهانه برای تقویت سیستم سرکوب در کوردستان تبدیل شده است را از دست سرکوبگران درآورد.

البته این تمام ماجرا نیست، دکتر قاسملو یک دیپلمات کورد بود که ابائی نداشت، از اینکه بگوید: "اجازه نمی‌دهیم هیچ کس خود را از ما ایرانی‌تر بداند"، باز هدف اصلی از این تاکید بر پیام عدم تضاد و تقابل با جامعه فارس در ایران بود.

البته در اساس هم هویت کوردی، هویتی معطوف به تقابل یا تضاد با هویت فارسی نیست، بلکه هویتی است که با عطف به در دست گرفتن سرنوشت خود خواهان رفع تبعیض موجود و برچیدن نظام سرکوبی است که در فوق به آن اشاره شده‌است.

در مستله حیات سیاسی و همچنین ترور دکتر قاسملو وین از لحاظ رفتاری در ایران ما با دو مقوله روبرو هستیم:

یک: برخورد یک رژیم تروریستی که گزینه "مذاکره" را به فرصتی برای ترور و حذف تبدیل می‌کند.

دو: بخشی از الیت جامعه فارس، فارغ از راهکار اعلام شده دکتر قاسملو برای رفع یک تبعیض موجود در جغرافیای ایران چه بوده بر اساس پنداشت‌های خود و دور از واقعیت با حیات و مرگ ترازدیک قاسملو برخورد می‌کند.

تاکید الیت جامعه فارس بر عدم اطمینان به قاسملو در دوران حیات سیاسی وی و بی‌صدا گذر کردن از مرگ ترازدیک او توسط ملت فارس در عمل نشان بر ناسازگاری ملت فارس با ملت‌های دیگر موجود در جغرافیای ایران و عدم اهمیت قائل شدن آنها برای سرنوشت این ملت‌ها دارد.

بر اساس وضع موجود هویت کوردی و هزینه‌های در راهی که توسط حاکمان ایران به این هویت تحمیل می‌شود

و براساس برخوردی که الیت جامعه فارس-ایرانی با راهکارهای دکتر قاسملو برای رفع این تبعیض و همچنین ترور دکتر قاسملو شد؛ میتوان ادعا کرد که این بخش از جامعه فارس هم مانند حاکمان ایران فارغ از خواست شفاف و شوریزه هویت کوردی با این هویت برخورد می‌کند و آن را در تقابل با خود می‌پندارد و بر همین اساس آنها ترجیح می‌دهند، پنداشت‌های خود را به عنوان ذات هویت کوردی قلمداد کنند و اهمیتی به خواست، رفع تبعیض این جامعه ندهند؛ در چنین شرایطی است که مرگ دکتر قاسملو و برخورد الیت جامعه فارس با این مرگ را احتمالا می‌توان به عنوان نقطه پایان راهکار تحقق خواست هویت کوردی در چهارچوب ایران" نیز مطرح کرد؛ چون شرط تحقق این خواست‌ها که دکتر قاسملو بر اساس یک ضرورت آن را مطرح کرده بود، همراهی جامعه فارس-ایرانی با آن خواست‌ها و قبول مسئله رفع تبعیض موجود علیه کورد و دیگر ملل غیر فارس است، در شرایطی که این جامعه خود را در برابر رفع تبعیض "خلق‌های ستم‌دیده" توسط نظام حاکم پهلوی و اسلامی موظف نداند، در عمل ایده ایران دمکراتیک و پلورال برای رفع تبعیض هویت‌های تحت ستم به بن بست می‌رسد.

در پایان باید اظهار کرد، امکان بازگشت حیات فیزیکی دوباره برای زنده‌یاد دکتر قاسملو وجود ندارد، اما امکان از بن بست خارج کردن ایده "تحقق خواسته‌های خلق‌های ستم‌دیده در چهارچوب ایران دمکراتیک و فدراتیو" با احساس مسئولیت جامعه و الیت فارس در برابر رفع تبعیض از ملت‌های غیرفارس ایران وجود دارد.



تروریسم در سیستم سیاسی ایران نهادینه شده‌است

مجید حقّی – فنلاند

روز سیزده ژوئیه ۱۹۸۹ رهبر ملت کورد عبدالله‌ قاسملو به همراه عبدالله قادری آدر در محلی که دیپلمات تروریستهای جمهوری اسلامی ایران آنرا برای مذاکره پیشنهاد کرده بودند بعداز حدود چند ساعت گفتگوی ظاهرا برای حل مسالمت آمیز مسئله کورد مورد یورش تروریست‌های جمهوری اسلامی قرار گرفته و شهید شدند. محمدجعفر صحرارودی رئیس کنونی دفتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای جمهوری اسلامی از سران تیم ترور دکتر قاسملو بود.

رواج تروریسم در خاورمیانه در میان ملل مسلمان از ابداعات جمهوری اسلامی ایران بود. تروریسم به عنوان حرب‌های سیاسی از تاریخ دور و نزدیک جزو لاینحلی از سیاست و متد کارکردی حکومت‌های ایران در برخورد با مخالفان خود بوده‌است. نه تنها مخالفان و فعالان سیاسی بلکه حتی غیر نظامیان متعددی از جمله کودکان، شهروندان کشورهای دیگر، روشنفکران سکولار، نویسندگان و روحانیون قربانیان تروریسم و خشونت حکومتی در طول تاریخ معاصر ایران بوده‌اند.

اولین ترور سیاسی

شاهان حاکم بر ایران همیشه برای تصویه حساب با اعضای خانواده خود و رقبای خود از حربه ترور استفاده کرده‌اند. در مقابل از حدود ۸۵۰ سال قبل گروهی به رهبری حسن صباح و الموتیان به منظور مبارزه با حکومت سلجوقیان تشکیل شد و اقدام به ترور مقامات حکومتی وقت کردند. با این وجود می‌توان گفت آغاز ترور سیاسی در ایران از زمانی شروع شد که میرزا رضا کرمانی ۱۲۰ سال پیش گلوله‌ای به سینه ناصرالدین شاه قاجار شلیک کرد و شاهی که خود نیز در دوران پنجاه ساله سلطنت خود بیشتر مخالفان دور و نزدیک خود جمله امیر کبیر را با ترور و اعدام از بین برد و به‌نوعی بیانگذار تروریسم دولتی محسوب می‌شود. ترور دولتی در ایران آن دوره همانند شورای امنیت کنونی جمهوری اسلامی، سازماندهی شده و با برنامه تحت نامه "کمیته مجازات" مخالفان دولت و افرادی که به نظرشان خطرناک بودند را ترور می‌کردند.

ترور در دوران حکومت پهلوی

با آغاز حکومت پهلوی در دوره سلطنت رضاشاه ترریرسم دولتی شکلی سیستماتیک به خود گرفت. نظام سلطنتی رهبران مخالفان و حتی گاهی متحدانی که می‌توانستند بعدا خطرناک

شوند را با ترور از صحنه حذف می‌کردند. تیمورتاش، شیخ خزعل، فیروز میرزا نصرت الدوله، عبدالحسین دیبا، محمد فرخی‌یزدی، تقی ارانی و بسیاری دیگر از مخالفان سرشناس رژیم پهلوی، ازجمله قربانیان تروریسم دولتی پهلوی اول بودند. پیش از آغاز این سلسله ترورها، قتل میرزاده عشقی منتقد سرسخت رضا خان در خانهاش به ضرب گلوله، که در دوره نخست وزیری رضاخان رخ داد، نمایشی از خوی تروریستی موسس سلطنت پهلوی به شمار می‌اید.

تروریسم دولتی باعث تولید تروریسم سیاسی از طرف مخالفان نیز می‌شود، چراکه مخالفان ناچار می‌شوند به زبانی پناه ببرند که حکام وقت بدان آشنا هستند. دیکتاتوری رژیم سلطنتی باعث شد که گروههای سیاسی به مبارزه مسلحانه روی آورند. هنوز هفت سال از آغاز دوره سلطنت محمد رضاشاه نگذشته بود که در روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ فخرآرا در مراسمی به مناسبت تاسیس دانشگاه تهران پنج گلوله به سوی شاه شلیک کرد و خود نیز به ضرب گلوله کشته شد.

با اینکه این حمله تروریستی به شاه آسیبی وارد نیاورد، اما سرآغازی شد بر رفتارهای سرکوبگریانه آخرین شاه ایران. پیش از این، حزب توده در ترور محمد مسعود از منتقدان جدی دولت قوام نیز دست داشت. همان فردی که حسین قاضی وزیر خارجه مصدق هنگام سخنرانی بر سر مزارش در سال ۱۳۳۰ از یک حمله تروریستی جان سالم به در برد. قاضی از یک ترور نافرجام دیگر پس از کودتای ۱۳۳۲از سوی نزدیکان «شعبان بی‌منخ» جان سالم به در برد و در نهایت به جوخه اعدام سپرده شد.

ترورها در دوره دومین شاه پهلوی با ترور رزم آرا و احمد کسروی در سال ۱۳۲۹ توسط فدائیان اسلام، سازمانی که به رهبری طلبیه‌ی جوانی به نام مجتبی نواب صفوی تاسیس شده و خامنه‌ای رهبر کنونی جمهوری اسلامی یکی از اعضا فعال آن بود ادامه یافت. فدائیان اسلام پیش از رزم آرا، تجربه ترور هژیر، دیگر نخست وزیر شاه را نیز در پرونده خود داشتند. آنها کمی بعد در سال ۱۳۴۳ نیز حسنعلی منصور را ترور کردند.

ترورهای سیاسی با سریال ترورهای نافرجام محمدرضا پهلوی، سیری دیگر به خود گرفت. در بهمن ۱۳۴۰ محمدرضا شاه یک بار با بمبی کنار جاده‌ای که البته عمل نکرد، مورد سوءقصد قرار گرفت و یک بار هم در سال ۱۳۴۴ در کاخ سلطنتی ترور نافرجام دیگری را تجربه کرد که البته حرف و حدیث‌ها درباره اصالت اخبار مبتنی بر

ترور او بسیار است. بعداز این حادثه محمد رضاشاه به ترورهای دولتی روی آورد و با ترور تیمور بختیاری اولین رئیس ساواک ایران در عراق ترورهای برون مرزی توسط حکومت ایران شروع شد. ترور اسماعیل آقا شکاک رهبر جنبش ملی کوردستان در سال ۱۹۳۰ بدست رژیم پهلوی آغاز دیپلوماسی تروریستی رژیم‌های حاکم بر ایران بود که با ترور دکتور قاسملو در سال ۱۹۸۹ بدست جمهوری اسلامی به اوج خود رسید. این همان تکرار تاریخی دیپلماسی تروریستی بود که حکومت خوارزمشاهیان علیه هیئت بازرگانی مغول به‌کار برد. در سال ۱۹۳۰ رضاخان از سمکو دعوت می‌کند که به منظور گفتگو در باره حل مسالمت آمیز مسئله کورد به شهر اشنویه در شرق کوردستان بیاید. بعد از دو روز ماندن در اشنویه زمانی که با هیئت دولتی خدا حافظی میکند با اشاره سرهنگ صادق خان به گلوله بسته میشود و خود و دوتن از همراهانش جانشان را از دست می‌دهند.

جمهوری اسلامی پدر تروریسم دولتی

جمهوری اسلامی تروریسم دولتی از همان آغاز به بخشی جدا ناپذیر از استراتژی رژیم ایران برای حذف مخالفان و منتقدان خود تبدیل شد. تروریسم به واقع بخشی از استراتژی دولتی نظام جمهوری اسلامی است. " نصربالرعب" سیاستی بود که خمینی هم برای از بین بردن مخالفان خود و هم برای صدور انقلاب در پیش گرفت. در واقع رواج تروریسم دولتی در جهان ارمنان و حاصل جمهوری اسلامی به رهبری خمینی است.

شمار ترورهای جمهوری اسلامی در مقیاس با رژیم‌های قبل از خود بقدری زیاد است که نمی‌توان آمار دقیقی از تعداد آنها ارائه داد. جمهوری اسلامی با وضع قوانین مجازاتی چون قانون حدود و قصاص و همچنین با پناه بردن به اصول دینی و قرآنی ترور را یک امر حلال و شرعی کرده و بدین ترتیب دست عوامل خود را در کشتن مخالفان نظام باز گذاشت. با قدرت گرفتن شیعه سیاسی به رهبری خمینی، رقابت بین اقلیت شیعه و اکثریت تسنن شدت گرفت، کشورهایی مثل عربستان و قطر برای حفظ موجودیت خود ناچار به پشتیبانی مالی، سیاسی و لجستیکی از گروه‌های جهادی شدند. در واقع، رواج تروریسم در جهان اسلام ارمنان و حاصل اسلام سیاسی است.

با شروع انقلاب اسلامی در ایران و آتش زدن سینما رکس آبادان به دست مسلمانان بنیادگرا، چرخشی مهم در نخستین خصیصه‌ی تروریسم اسلامی روی داد. با واقعه‌ی سینما رکس آبادان برای

اولین بار مردم عادی هدف سوءقصد اسلامگرایان قرار گرفتند و حدود چهارصد نفر از شهروندان عادی ایران به دست اسلامگرایان در آتش سوزانده شدند.

ترور مخالفان

آیت الله خمینی بعد از بر سر کار آمدن فرمان "نابودی سریع دشمنان اسلام" را صادر کرد. صدور فرمان جهاد علیه مردم کوردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ اولین فرمان از این نوع بود. این فرمان در واقع فرمان ترور دسته‌جمعی مردم کوردستان و مخالفان جمهوری اسلامی بود. جهاد به عنوان یک فرمان "الهی" دست لشکریان حکومت اسلامی در کوردستان را ازاد گذاشت تا حتی به کودک شیرخوار نیز رحم نکنند.

طی چهل سال گذشته صدها مورد ترور و کشتار و قتل مجهول و زنجیره‌ای انجام شده است. تنها در کشورهای اروپایی بیش از ۶۰ نفر از مخالفان رژیم توسط تروریست‌های جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند، ده‌ها مورد ترور نافرجام انجام شده‌است. بیشترین ترورهای خارج از کشور در عراق و ترکیه انجام شده‌است. عملیات ترور جمهوری اسلامی بیشتر متوجه گروه‌ا و فعالان کوردستانی بوده‌است. قتل دکتر عبدالرحمن قاسملور رهبر حزب دمکرات کوردستان ایران و عبدالله قادری آذر از شیخ ترین نوع قتلهایی است که می‌توان در تاریخ جمهوری اسلامی نام برد. جمهوری اسلامی دکتر قاسملو را به منظور "حل مسالمت امیز" مسئله کورد به میز مذاکره می‌کشاند و از حسن نیت جنبش کوردستان، که اعتقاد داشت مسئله کورد راه حل نظامی ندارد سوء استفاده کرده و رهبر کورها را که اعتقاد راسخی به صلح و آشتی داشت به گلوله می‌بندد. ترور قاسملو و مماشات دولت اطریش در خارج از کشور جری تر و قتل رهبران حزب دمکرات در برلین و بدنبال صدور حکم دادگاه مشهور به میکونوس، رژیم ایران به ترور فعالانه و مستمر مخالفان در خارج از کشور پایان داد.

نکته مهم این است که تروریسم در نظام جمهوری اسلامییک پدیده استراتژیک در نظر گرفته شده‌است برای دستیابی به اهداف "امنیت ملی" در داخل و خارج از کشور. راهبردهای تروریسم جمهوری اسلامی بر سه فاز عملیاتی، ایجاد آشفتنگی روانی ناشی از ترس و متلاشی شدن نیروهای مخالف، تسلیم مخالفان داخلی به نظام حاکم و قبول حاکمیت کنونی مدیریت و اجرا می‌شود.

قتلهای زنجیره‌ای

یکی دیگر از ابعاد ترور

در ایران قتلهای زنجیری روشنفکران و نویسندگان در داخل ایران بود. مرگ داریوش و پروانه فروهر، جعفر پوینده و محمد مختاری و ده‌ها مورد دیگر از جمله قتلهایی است که به فرمان علی خامنه‌ای و به مدیریت علی فلاحیان وزیر وقت کشور بود که نقش بالایی در ترور رهبران کورد را داشت. ماجرای اتوبوس ارمنستان یکی از موارد مطرح در قتل‌های زنجیره‌ای ایران است. در این عملیات ناموفق که در ۱۶ مرداد ۱۳۷۵ رخ داد، دستگاه اطلاعاتی ایران قصد داشت تعداد زیادی از چهره‌های فرهنگی کشور را یک‌جا به قتل برساند.

ژئو تروریسم رژیم ایران

تاریخ چهل ساله حاکمیت جمهوری اسلامی مملو از اقدامات تروریستی است که حیات بی‌گناهان زیادی را سلب یا تهدید کرده‌است، افراد زیادی را از اولین حق خود یعنی حق حیات و صیانیت نفسی محروم ساخته، روابط دوستانه میان مردم را در معرض خطر قرار داده و امنیت اجتماعی و فردی افراد را در داخل و خارج از کشور به مخاطره انداخته است. به منظور صدور انقلاب اسلامی اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در مرزهای سیاسی کشور محصور نمانده است بلکه گسترش مسافت‌های هوایی، انقلاب ارتباطات و جهان بدون مرزی که در آن زندگی می‌کنیم شرایطی را پدید آورده‌است که ایران به تهدیدی علیه جامعه بشری در سراسر دنیا تبدیل شده‌است.

در طول حاکمیت رژیم ایران بیش از ده عملیات تروریستی را علیه سایر کشورها و افراد خارجی به‌کار برده‌است. علاوه بر آن جمهوری اسلامی حامی مالی، آموزشی و لجیستیکی گروه‌های تروریستی شیعه در خاورمیانه و دیگر گروه‌های تروریستی از جمله القاعده و طالبان بوده‌است.

در بعد بین المللی ژئوتروریسمیکی شاخص‌ترین رفتارهای جمهوری اسلامی بوده‌است. ژئوتروریسم رژیم ایران به منظور صدور انقلاب و ایجاد ترس و وحشت از مکان‌های مختلفی در خارج از مرزهای ایران استفاده کرده‌است. علی رغم تلاش‌های بین المللی برای جلوگیری از تروریسم این نظام تا کنون نتیجه‌ای حاصل نشده‌است و این رژیم همواره ترور را به عنوان یکی از عمده‌ترین حربه‌های خود در دیپلماسی برده است. ژئو تروریسم از دهه نود میلادی زمانی که حسن روحانی رئیس جمهوری کنونی، رئیس مرکز پژوهشهای استراتژیک ایران بود به عنوان استراتژی حوزه امنیتی "جهت پاسداری از بقای سیاسی نظام جمهوری اسلامی" در نظر گرفته شد و امروز در

همه ابعاد ان پیروی می‌شود. استدلال جمهوری اسلامی در بکارگیری ژئوتروریسم و حمایت از گروه‌های تروریستی منطقه زمینگیر کردن "دشمن" برای ورود به خاک ایران و در واقع جلوگیری از ورود فضای دمکراسی خواهی و حمایت کشورهای دمکراتیک از مبارزات دمکراتیک مردم در داخل ایران است. بر این مینا از نظر جمهوری اسلامی هرچه گروه‌های تروریستی منطقه قدرت بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند نیاز رژیم را در مقابله با مخاصمان و بقای خود تصمین کرده و مانع بیشتری را به دست می‌آورند.

ژئو تروریسم جمهوری اسلامی تنها به حمایت از گروه‌های تروریستی، دست داشتن در عملیات تروریستی در کشورهای مختلف یا گروگانگیری ختم نمیشود بلکه نمونه دیگر تروریسم منطقه‌ای نظام اسلامی دخالت‌های پنهان و آشکار این رژیم در امور داخلی دیگر کشورها ان هم از طریق حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی کوچک و بزرگ منطقه است.

هدف جمهوری اسلامی از تروریسم بین‌المللی یا ژئوتروریسم تفویض فرد یا نظام حاکمیتی نیست بلکه تغییر انگاره‌های جهانی است. این نوع تروریسم جمهوری اسلامی جهت ایجاد عدم امنیت در بعد جهانی و ایجاد جهان اشوبی است تا بتواند از این طریق در مذاکرات و دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی خود، خود را به عنوان یکی از عوامل کنترل کننده خشونتها یا نارضایتی‌های شرعی مردم مطرح کند.

جمهوری سلامی در طی چهل سال گذشته در گزارشهای بین المللی مختلف جزو کشورهای حامی اصلی تروریسم بود‌است در گزارش سالانه وزارت خارجه ایالت متحده امریکا در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رژیم ایران تنها کشور حامی تروریسم و تروریسم جهانی در سطح بین الممل محسوب میشود. نیروهای قدس سپاس پاسداران به همراه شرکا، متحدین و عوامل ایران به نقش بی ثبات کننده در مناطق مختلف ادامه داده‌اند. آخرین مورد عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور طرح بمب گذاری جلسه مجاهدین خلق در فرانسه بود تن از دیپلمات‌های رژیم در کشورهای بلژیک، هلند و آلمان به اتهام تلاش برای بمب‌گذاری دستگیر شدند.



دکتر عبدالرحمان قاسملو:

تنها نیرویی که در داخل حضور دارد و علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کند،

حزب دمکرات کوردستان ایران است



نیرویی که در داخل حضور دارد و مبارزه می کند حزب دمکرات کوردستان ایران است و ما نشون دادیم که بنابر آن چیزی که می گفتیم که در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی هیچ کدوم از خواسته های اساسی ما که مربوط به دموکراسی و حقوق ملی است، تحقق نخواهد یافت و به این ترتیب دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر رژیم خمینی باقی موندیم.

آقای دکتر قاسملو با وجود اینکه شما کرارا تاکید کردید که آزادی و استقلال را برای ایران خواهان هستید نه کوردستان تنها، چگونه است که شما با گروه های ملی همکاری ندارید؟

اولا که ما به طور کلی طرفدار یک ایران مستقل و متعهد هستیم هیچ خواستی را تاکنون مطرح نکردیم که خارج از چارچوب کشور ایران باشد. ما ایرانی می خواهیم دمکراتیک و در چارچوب ایرانی دمکراتیک، خواهان خودمختاری برای کوردستان هستیم، همچنان که خواهان حقوق ملی دیگر خلق های ستمدیده ایران هستیم و ما ترجیح می دهیم مخالفتی هم نداریم که حقوق خلق های ستمدیده به شکل فدراتیو حل بشه یعنی ایران تبدیل بشه به یک جمهوری فدراتیو مثل کشورهای بسیاری که در دنیای امروز وجود دارد و وحدت و استقلال خود را حفظ بکنند ولی همه در داخل این وحدت و استقلال به حقوق خودشون برسند.

اما از نظر همکاری با نیروها و سازمان های ملی گرا، قبل از اینکه جواب این سوال را بدهم می خواهم اضافه بکنم ما خود را کمتر، یعنی از هیچ نیرو یا سازمانی کمتر ایرانی نمی دانیم. به هیچ کسی هم حق نمی دهیم خودش را از ما ایرانی تر بدونه، دلیلی هم برای این درواقع نمی بینیم. ما حاضر به همکاری با همه سازمان های ایرانی، با همه نیروها، با همه شخصیت ها هستیم ولی به شرط این که این سازمان ها علیه رژیم خمینی مبارزه کنند و کوشش نکنند که مجددا سلطنت را در کشور احیا کند. مخالفت ما با سلطنت از روی تعصب نیست یک مخالفت اصولی است تجربه تاریخی کشور ما نشون داده که ایران را نمی شه با سوئد یا انگلستان مقایسه کرد، سلطنت در ایران معمولا با سخنان بسیار زیبا و دمکراتیک شروع می شه همچنان که وقتی که محمدرضا شاه به سلطنت رسید او را شاهنشاه جوان بخت دمکرات می نامیدند ولی بعد، بعد از مدت کوتاهی حالا بستگی به وضع داره، این شاه تبدیل می شه به دیکتاتور، برای اینکه به طریق استبداد و دیکتاتوری

کنید ایران عقب نشینی می کنه و مهمات جا می مونه یا دست مردم میافته یا خود کسانی که همکاری می کنند با رژیم، این مهمات را می فروشند و فکر می کنم که به ویژه در این حملات عمدی، که به اسم والفجر ۹ در کوردستان انجام گرفت، رژیم مهمات بسیاری، واقعا زیادی را بعد از عقب نشینی در میدان های جنگ به جا گذاشت.

آقای دکتر قاسملو شما تا مدتی قبل با مجاهدین همکاری می کردید ممکنه علت اختلاف هایتان با مجاهدین را بفرمائید؟

ما علت همکاریمون با مجاهدین این بود که مجاهدین اعلام می کردند که به دموکراسی اعتقاد دارند و طرفدار خودمختاری هستند. همچنان که اطلاع دارید شعار اصلی ما دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان است، ما چهار سال

طولانی در زندان ما باقی می ماند.

ممکنه بفرمائید این اسیران تعدادشون حدودا چقدر هست؟

والا سابق اسیران تعدادشون خیلی زیاد بود ما در چندین زندان ازشون نگهداری می کردیم هم به علت اقتصادی و هم اینکه گاهی مجبور بودیم جای زندان ها را تغییر بدھیم به این نتیجه رسیدیم که فقط

کنترلی ندارد و در این منطقه فقط پیشمرگان در واقع کنترل روستاها و مناطق استراتژیک را بر عهده دارد.

لابد سرحدات ها و خود مرزها؟

بله مناطق مرزی است. در این منطقه ما یک شهر کوچک را هنوز در اختیار داریم که شهر "نوسود" است، رژیم خیلی کوشش کرده که این شهر را پس بگیرد ولی تاکنون موفق

کوچک و بزرگ - این آمار خود رژیم است - مستقر کرده و بعد از چندین سال جنگ، در واقع دو سال پیش ما به این نتیجه رسیدیم که با نیرویی که ما در اختیار داریم و با امکاناتی که رژیم دارد، ادامه جنگ جبهه های برای ما ممکن نیست به همین علت ما تاکتیک خودمون را تغییر دادیم و به تاکتیک جنگ پارتیزانی متوسل شدیم، از اون موقع تا حالا برای ما روشن

ما رفتارمان نسبت به اسیرها بسیار ساده است، سربازها را همان جا آزاد می کنیم، بعد از اینکه

کوشش می کنیم که برایشان توضیح بدیم برای چی در کوردستان می جنگیم

در شورا و حتی چند ماه قبل از ورود به شورا با مجاهدین همکاری کردیم و اون موقع بعد از ۳۰ خرداد سازمان مجاهدین در سال ۱۳۶۰مورد یورش رژیم قرار گرفت، ما همه امکانات خود در کوردستان را در اختیار مجاهدین قرار دادیم متاسفانه چهار سال همکاری به ما نشون داد که سازمان مجاهدین به دموکراسی اعتقاد ندارد و ما طرفدار این بودیم که شورا برای خودش هویت مستقلی پیدا بکنه در حالی که کوشش مجاهدین این بود که در واقع شورا در خدمت سازمان مجاهدین باشه. برخورد های غیر دمکراتیک بسیاری از مجاهدین دیدیم، از طرفی با اینکه پروژه طرح خودمختاری را امضا کردند، آهم بعد از بحث های بسیار طولانی، ولی در عمل دیدیم که مثلا با خودمختاری آذربایجان و بلوچستان مخالفت می کنند

پاسداران و افسران را نگهداری بکنیم، حالا تعداد اسیرها بیشتر از چند صد نفر نیستند.

ممکنه از شما بپرسم که نیروهای شما اصولا برای دفاع از خود و تهاجم از چه نوع اسلحه هایی استفاده می کنند؟

وقتی که انقلاب شد، ما بعد از انقلاب "پادگان مهاباد" را به تصرف خود درآوردیم و اسلحه نسبتا متنابهی در این پادگان بود، از همه اون اسلحه ها ما تا کنون استفاده می کنیم، البته در شرایط جنگ پارتیزانی بالاچار از بکارگیری سلاح سنگین صرف نظر کردیم ولی از اسلحه متوسط، خمپاره و از سلاح های ضدتانک و ضد هواپیما استفاده می کنیم، من می توانم بگویم که ما از نظر اسلحه کمبودی نداریم و به اندازه کافی هم اسلحه در اختیار پیشمرگه ها است و هم اسلحه ای که به درد جنگ پارتیزانی می خوره، در اختیار

نشده. از بهار امسال، اینطور به نظر می آید که در واقع وضع از نظر کیفی به نفع ما تغییر کرده و پیشمرگان ما شروع به عملیات تهاجمی نموده اند آماری که من دارم نشون میده که در این مدت، پیشمرگان توانستند ۳۲ پایگاه رژیم را به تصرف خود دربیاورند. اینکه از همه چیز مهم تره این است که افراد رژیم روحیه خود را باختند و سابق کوشش شان این بود تا آخرین فشنگ بچنگند و به قول خودشان برای شهادت، به کوردستان می آمدند ولی حالا نسبتا زود تسلیم می شوند و نتیجه اش اینه که هم تلفاتمان بسیار کم شده، مثلاً طی عملیاتی پیشمرگان توانستند یک پایگاه ۱۵۰ نفری را به تصرف خود در آورند حتی بدون اینکه یک نفر هم زخمی داشته باشند و بعد مهم دیگر این قضیه این است که غنائم زیادی به دست پیشمرگان میافته وقتی پایگاهی

شده رژیم پیش از پیش آسیب پذیره، به ویژه از بهار امسال، پیشمرگان ما توانستند ضربات بسیار شدیدی را بر رژیم وارد کنند.

در واقع الان در کوردستان ایران سه نوع منطقه وجود دارد، یکی مناطق بسیار مهم استراتژیک و نیز شهرها که در اختیار و در کنترل رژیم قرار داره و البته هر وقت پیشمرگان بخواهند وارد شهرها می شوند ولی به اون علت که قبلا ذکر کردم -منظور دکتر این است که پیشمرگه ها بخاطر حفظ جان مردم و پیشگیری از آسیب رسیدن به آنان، وارد شهرها نمی شوند- ما این کار را فقط در حالت استثنایی انجام می دهیم. همچنان که در چند روز گذشته پیشمرگان ما وارد شهر کامیاران شدند و عملیات بسیار خوبی را انجام دادند. و در این منطقه رژیم کوشش داره که با جمع آوری

علی لیمونادی، روزنامه نگار ایرانی، در سال ۱۳۶۵ شمسی، مصاحبه ای با دکتر عبدالرحمان قاسملو -دبیرکل وقت حزب دمکرات کوردستان ایران- انجام داده که در آن با طرح سئوالاتی در رابطه با جایگاه حزب دمکرات، مبارزات آزادیخواهانه ی کوردستان و شرایط سیاسی حاکم بر ایران، نظر دکتر قاسملو را جویا می شود. حال که قریب به ۳۲ سال از آن روز می گذرد، به مناسبت سالگرد ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۸ شمسی، متن تایپ شده این مصاحبه در اختیار خوانندگان عزیز روزنامه "کوردستان" قرار میگردد.

ممکن است از شما خواهش کنم قدری راجع وضع نیروهایتان در کوردستان، برای بینندگان تلوزیون ایرانیان، شرح بدید؟

شما حتما خاطرتون هست که بعد از انقلاب، درواقع همه کوردستان از جمله شهرهای کوردستان در اختیار نیروهای پیشمرگه بود. بعد در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خمینی علیه مردم کوردستان اعلان جهاد داد و جنگی در گرفت که ما اسمش را گذاشتیم "جنگ سه ماهه"، برای اینکه بعد از سه ماه رژیم شکست خورد و پیشمرگه ها مجددا به شهرها برگشتند.

شش ماه ما با رژیم در حال مذاکره بودیم ولی خیلی زود به این نتیجه رسیدیم که با رژیم آخوندی بسیار مشکل است بتوان راه حل قابل قبولی برای طرفین پیدا کرد و متوجه شدیم که رژیم درواقع کسب وقت می کند برای اینکه در اولین فرصت، جنگ جدیدی را در کوردستان به راه بیاندازد و پیش بینی ما درست در آمد و از نوروز سال ۱۳۵۹، مجددا جنگ در کوردستان شروع شد که تا حالا ادامه دارد.

بعد از مدتی به علل اقتصادی و نظامی، چون اون موقع شهرها در محاصره اقتصادی رژیم بود و در ضمن هر وقت جنگی یا برخوردی در داخل شهرهای کوردستان در می گرفت، پادگان هایی که در داخل شهرها قرار داشتند مردم بی دفاع را مورد هدف قرار می دادند و در نتیجه عده ی زیادی از مردم بی گناه کشته می شدند، به همین خاطر ما شهرها را ترک کردیم و به روستاها و کوهستان ها عقب نشستیم.

از اون موقع تا حالا همچنان که می دانید، در واقع مجموعا شش ساله که جنگ ادامه دارد. در این شش سال، رژیم نیروی بسیار زیادی را در کوردستان جمع آوری کرده از ارتشی، بسیجی و پاسدار و حتی عده ای که باسابقه اند مخصوصا از کوردها، که با رژیم همکاری می کردند. الان ما فکر می کنیم که رژیم در کوردستان نزدیک به دویست هزار نفر را در سه هزار پادگان و پایگاه نظامی

متاسفانه چهار سال همکاری به ما نشون داد که سازمان مجاهدین به دموکراسی اعتقاد ندارد و ما طرفدار این بودیم که شورا برای خودش هویت مستقلی پیدا بکنه در حالی که کوشش مجاهدین این بود که در واقع شورا در خدمت سازمان مجاهدین باشه

داریم. گاهی اتفاق می افته که از نظر مهمات در مذيقه می افتم ولی با ادامه جنگ ایران و عراق و وضعی که پیش آمده تهیه مهمات از طریق مختلف در کوردستان ایران کار آسانی شده و شاید تعجب بکنید که گاهی اوقات، قیمت مهمات حتی کمتر از اون قیمتی است که در کارخانه می فروشند.

علتش فکر می کنید چی می تونه باشه؟

علتش تهاجم بزرگ ارتش ایران است که مقدار زیادی اسلحه را به جلو میفرسته، بعد عراق حمله می کنه و فرض

تسلیم می شه. البته عده زیادی اسیر می شوند ما رفتارمان نسبت به اسیرها بسیار ساده است، سربازها را همان جا آزاد می کنیم، بعد از اینکه کوششی می کنیم که برایشان توضیح بدیم برای چی در کوردستان می جنگیم، آزادشان می کنیم. بسیجی ها را که نوجوان های ۱۳ تا ۱۵ و ۱۶ ساله هستند، آن ها را هم همینطور آزاد می کنیم، پاسدارها و افسران ارتش را زندانی می کنیم و در زندان نگاه می داریم، گاهی برای مبادله و گاهی هم اگر جنایتی مرتکب شده باشند خب مدت

نیرو، هم شهرها و هم راه های استراتژیک را کنترل کند، البته برای ادامه جنگ با عراق به این راه ها احتیاج داره. بعد منطقه دومی وجود دارد که اونجا ما اسمش رو منطقه مختلط گذاشتیم، از ساعت هشت صبح تا پنج بعداز ظهر این مناطق و بویژه راه های نظامی در اختیار رژیم قرار دارد و از ساعت پنج بعداز ظهر، نیروهای رژیم عقب نشینی می کنند به پایگاه های خودشون و در واقع کنترل میافته به دست پیشمرگان. منطقه ی سومی هم وجود داره که رژیم در آن ها هیچ



نیروی تجزیه‌طلبی نمی‌بینم، این اتهامی است که در رژیم شاه به ما وارد می‌کردند و جمهوری اسلامی نیز این تهمت ناروا را به ارث برده است. من با کمال مسئولیت یک بار دیگر اینجا اعلام می‌کنم که ما خواستمون –خواست خودمختاریمان– در داخل کشور ایران قابل تحقق است و به هیچ وجه در فکر تجزیه و جدایی از ایران نیستیم و درضمن یک بار دیگر تکرار می‌کنم، کسانی که این اتهام را به ما وارد می‌کنند بهتره کمی فکر که بکنند چه دلیلی دارند برای اینکه اونها خودشون را ایرانیتر از ما می‌دانند و برای ایران دلسوزی بیشتری نشان میدهند؟ من فکر می‌کنم که با مبارزه هفت ساله‌ی ما علیه رژیم خمینی، که هم اکنون متأسفانه درصحنه ایران به تنهایی این مبارزه را این مبارزه خونین را داریم ادامه می‌دهیم، نشان داده‌ایم که ایرانی‌های بسیار میهن‌پرستی هستیم و در این زمینه هیچ ایرادی بر ما وارد نیست.

آقای قاسملو خیلی متشکرم که چند دقیقه وقتتون را به من و تلوزیون ایرانیان دادید

من هم از شما متشکرم و امیدوارم که سلام مرا به همه هموطنان ایرانی ما در آمریکا برسانید.



و تمامیت ارضی ما را به خطر بیاندازد به این ترتیب وظیفه تمامی ایرانیان آزادی‌خواه این است که از هم اکنون برای ایرانی دمکراتیک پلورالیستی مبارزه بکنند و زمینه را برای همکاری و ائتلاف برای چنین ایرانی از حالا تدارک ببینند.

پس اینطور که دشمنان شما عنوان می‌کنند شما رویای جمهوری کوردستان را در سر ندارید؟

ما همچنان که گفتم تمام

خودش را حفظ کنه و هم به کشورهای دمکراتیک پیشرفته جهان ببیوندد جز این متأسفانه باید بگویم، بدون اینکه بخوام بیخودی پیش‌بینی کرده باشم، اگر در ایران بعد از خمینی رژیمی دمکراتیک بر اساس پلورالیسم به وجود نیاد جنگ داخلی درخواهد گرفت و جنگ داخلی در کشوری مثل کشور ما که از نظر استراتژیک اهمیت جهانی داره، در شمال بیش از دو هزار کیلومتر مرز

فرهنگی و دانشجویان در دانشگاه بکنند، همه این‌ها به نظر من کمک خواهد کرد که ما هر چه زودتر بتوانیم رژیم آخوندی را سرنگون بکنیم. بعد عقیده ما این است که بعد از رژیم خمینی و بعد از اینکه مردم ایران دو دیکتاتوری را پست سر گذاشتند باید به این نتیجه رسیده باشند که تنها یک رژیم دمکراتیک بر اساس پلورالیسم سیاسی، بر اساس اینکه هر سازمان و گروهی

ما به این نتیجه رسیدیم پذیرش خودمختاری کوردستان از سوی مجاهدین بیشتر از روی حساب و در نظر گرفتن تناسب قواست نه از روی عقیده به خودمختاری

خواسته‌هایمان را می‌خواهیم در داخل ایران در چارچوب استقلال و تمامیت ارضی ایران به تحقق برسانیم، ما هیچ نوع تمایل جدایی از ایران را نداریم و اصولا من در کوردستان ایران

مشترک با اتحاد شوروی داره و در جنوب، خلیج فارس است که منطقه اقتصادی و استراتژیک بسیار مهمیه، در یک چنین کشوری جنگ داخلی حتی می‌تواند استقلال

آزادانه در چارچوب یک کشور جمهوری بتونه عقاید خودش را اظهار بکنه و برای پیشبرد عقاید خودش مبارزه کنه در یک چنین چارچوبی، ایران ما خواهد توانست هم استقلال

بی‌حجابی یا بدحجابی می‌نامد از پیش می‌برند، این مبارزه را هم مبارزه می‌دانیم و بگذریم از مبارزه‌ای که گارگران می‌توانند در کارخانه‌ها بکنند و فرهنگیان می‌توانند در بخش‌های

◀ادامه صفحه ۴

باید حکومت کنه یا سلطنت کنه، ثانیاً به همین علت وقتی که تبدیل شد به رژیم استبدادی و پایگاه مردمیاش رو هم به کلی از دست داد، وابستگی پیدا می‌کنه به خارج، سلطنت در ایران تاریخ معاصرش را نگاه بکنید مدت طولانی وابستگی داشت به روسیه تزاری، سپس به امپراطوری انگلستان و اخیراً به آمریکا، ولی ما کشوری می‌خواهیم هم دمکراتیک و هم مستقل، من فکر می‌کنم که هر ایرانی آزادیخواهی به این دو علت باید مخالف سلطنت باشه. ولی اجازه بدید من به عنوان نماینده حزب دمکرات و کوردها، یک دلیل دیگر را اضافه بکنم و آن اینکه سلطنت یا رژیم شاهنشاهی برای ما، یعنی درواقع هم همینطور بوده، عبارت است از تمرکز قدرت در تهران و ما که خودمختاری طلبیم مخالف چنین تمرکزی هستیم. ما بالعکس، یک ایرانی می‌خواهیم که فدراتیو باشه، سیاست عدم تمرکز در کشور پیاده بشه، همه قدرت در تهران جمع نشه، بلکه مردم ایران و مردم استان‌های مختلف ایران بتوانند اختیارات بیشتری داشته باشند، از طریق نماینده‌هاشون از طریق مجلس یا شورایی که انتخاب می‌کنند، فکر می‌کنم که دنیای مدرن در اروپا، آمریکا و کشورهای پیشرفته که به طور

حزب دمکرات کوردستان ایران: از بیانیه وزارت خارجه آمریکا استقبال می‌کنیم

حزب دمکرات کوردستان ایران، با انتشار بیانیه‌ای از تلاش‌های تازه وزارت خارجه آمریکا در رابطه با پرونده ترور دکتر قاسملو، استقبال کرد. متن کامل بیانیه:

حزب دمکرات کوردستان ایران، از موضع وزارت خارجه آمریکا در رابطه با پرونده ترور دکتر قاسملو، استقبال می‌کند.هنگامی که در بیست و دوم تیرماه ۱۳۶۸ شمسی، برابر با سیزدهم ژوئیه ۱۹۸۹، دکتر عبدالرحمن قاسملو، دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران، به همراه عبدالله قادری‌آذر، عضو کمیته مرکزی و نماینده حزب دمکرات در اروپا، بنابر خواسته رژیم جمهوری اسلامی و با هدف یافتن راه‌حل صلح‌آمیزی برای تأمین خواسته‌های دمکراتیک ملت کورد، در شهر وین پایتخت کشور اتریش، با هیئت دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی به مذاکره نشستند، به دستور سران جمهوری اسلامی و به دست هیئت مذکور، مورد هدف قرار گرفته و ترور شدند. آن هنگام، دولت اتریش بدون انجام تحقیقات لازم در رابطه با این اقدام تروریستی، هیئت جمهوری اسلامی ایران را همراه با اسکورت، روانه فرودگاه کرد و به سوی تهران فرستاد.حال پس از گذشت ۲۹ سال از این رویداد، برایان هوک، مدیر سیاست‌گذاری وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا رسماً اعلام کرد: در ماه ژوئیه امسال، ۲۹ سال از وقوع رویدادی می‌گذرد که طی آن ماموران ایرانی در وین، تحت پوششی دیپلماتیک، رهبر یک حزب کوردی دگراندیش و دو همراه او را ترور کردند.همچنین وزارت امور خارجه آمریکا در سایت اینترنتی رسمی خود، اسنادی را منتشر کرد که حاوی اطلاعاتی در رابطه با مکان‌هایی می‌باشد که رژیم جمهوری اسلامی ایران، در آن‌ها دست به انجام عملیات تروریستی زده است. در بخشی از این اسناد به ترور دکتر قاسملو و همراهانش در سیزدهم ژوئیه‌ی ۱۹۸۹، اشاره کرده که به دست دیپلمات-تروریست‌های جمهوری اسلامی، ترور شدند.حزب دمکرات کوردستان ایران از زمان انجام این عمل تروریستی تاکنون، بر اساس شناخت درستی که از جمهوری اسلامی ایران داشته و همچنین برپایه سایر اعمال تروریستی رژیم تهران در کشورهای دیگر اروپا، رژیم ایران را آمر و عامل ترور وین معرفی کرده بود اما به دلیل اینکه مجرمان به تهران بازگشته بودند، فریاد این حزب به جایی نرسید و کسی به یاری‌اش نشتافت. اما اکنون که این واقعیت برای دولت آمریکا عیان شده و از سوی وزارت خارجه این کشور، جمهوری اسلامی را به عنوان عامل این ترور معرفی کرده، ما نیز از موضع دولت آمریکا در این رابطه استقبال و حمایت می‌کنیم.همچنین لازم است اعلام کنیم، در شرایط فعلی که کشورهای اروپایی برای بار دیگر درحال گفتگو با جمهوری اسلامی هستند، لازم است که به عنوان وظیفه‌ای انسانی- اخلاقی و در راستای حفظ امنیت خود نیز که شده، تمام اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی و بویژه ترور وین را در پروسه گفتگوهای‌شان مورد نظر قرار دهند چرا که رژیم تهران هرگز دست از ترور و اقدامات تروریستی برنداشته و سکوت در برابر این اقدامات، رژیم را در راستای ادامه این اقدامات تشویق می‌نماید. همانگونه که طی روزهای اخیر شاهد آن بودیم که جمهوری اسلامی قصد انجام عمل تروریستی دیگری نیز از هلند، اخراج شده‌اند.موارد فوق ثابت می‌کنند که اصلی‌ترین راه مبارزه با تروریسم در جهان و خشکاندن ریشه‌های آن، تنها با نابودی رژیم جمهوری اسلامی ایران، میسر خواهد شد. باید گفت، تمام تلاش‌ها جهت تغییر رفتار و سیاست این رژیم، تلاشی بی نتیجه و عبث است و فقط هزینه مردم ایران و آزادیخواهان و ملیت‌های دیگر ایران را افزایش می‌دهد. همانگونه که طی چهل سال گذشته تمام تلاش‌ها برای تغییر سیاست و رفتار جمهوری اسلامی بی نتیجه بوده و با شکست روبرو گشته است.

حزب دمکرات کوردستان ایران

شورای اجرایی
۱۸ تیر ۱۳۹۷
۹ ژوئیه ۲۰۱۸

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، سکوت دولت اتریش در قبال پرونده ترور دکتر قاسملو را، محکوم کرد

ایران و ترور وین، تروریسم دولتی علیه کوردستان را به عنوان پرونده‌ای باز می‌بیند و آماده همکاری با هر دادگاه عادلّی است که پرونده تروریسم بین‌المللی جمهوری اسلامی علیه کوردستان را، مورد بررسی قرار دهد تا از این پس در لوای سکوت جهانیان، شخصیت‌ها و فعالان سیاسی کوردستان از سوی رژیم دیکتاتوری ایران ترور نشوند.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
۲۰ تیرماه ۱۳۹۷ شمسی

همراهانشان. همزمان نیز لازم است جهت مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی، تمام کشورهای مسئول در برابر امنیت جهانی، بویژه کشورهای اروپایی، نقض حقوق بشر از سوی رژیم تهران و تروریسم بین‌المللی این رژیم را جهت منفعت کوتاه مدت خود نادیده نگیرند و در همین چارچوب، سکوت و عدم موضع‌گیری دولت اتریش –در قبال پرونده ترور دکتر قاسملو– تا به امروز را، محکوم می‌کنیم.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، ضمن محکوم کردن تروریسم بین‌المللی رژیم

ایران، مطرح کردن پرونده ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو و دکتر سعید شرفکندی به دست عوامل دولت ایران، از سوی مسئولان عالیرتبه آمریکا می‌باشد، که این امر نیز همچون سندی قابل استناد دال بر قربانی بودن ملت کورد به دست تروریسم بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مورد استفاده قرار گیرد. شاید شرایط فعلی، بهترین فرصت ممکن باشد برای به جریان انداختن و بازاحیای تمام پرونده‌های ترور فعالان سیاسی در کوردستان و بویژه ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو و دکتر سعید شرفکندی و

تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته و همزمان صدها نفر از فعالان حزب دمکرات، سازمان خبات، حزب کومله و سایر نیروها و جناح‌های سیاسی، در تیر رس سیاست ترور آخوندهای ایران قرار گرفته و ترور شده‌اند. تمام این جنایت‌های غیرقابل بخشش، در مقابل دیدگان جهانیان انجام شده و متأسفانه منافع اقتصادی کشورها را بر آن داشت تا بر واقعیات چشم ببندند و حتا تروریست‌ها را تا تهران اسکورت کنند. از جمله برآیندهای تغییر سیاست دولت آمریکا در قبال

ایران، یکی از قربانی‌های تروریسم بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. تروریسم بین‌المللی رژیم ایران علیه کوردستان، در سال ۱۳۵۸ و از دادگاه‌های چند دقیقه‌ای صادق خلخالی آغاز شده و تاکنون نیز بزرگترین خطری که فعالان سیاسی کوردستان را تهدید می‌کند، همان تروریسم بین‌المللی است که از جمله متدهای غیرقابل تغییر حاکمیت تهران است.

طی چهار دهه اخیر، از طرق گوناگون و در راستای همان سیاست تروریستی، جهت نابودی جامعه کوردستان

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، در بیانیه‌ای از کشورهای مسئول و بویژه کشورهای اروپایی خواست تا نقض مستمر حقوق بشر از سوی رژیم تهران و تروریسم دولتی این رژیم را، جهت تأمین منافع کوتاه مدت خود، نادیده نگیرند و لا‌پوشانی نکنند.

متن کامل بیانیه:

بیانیه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، به مناسبت بیست‌ونهمین سالگرد ترور دکتر قاسملو و همراهانش در وین.

جامعه کوردستان و بویژه جامعه سیاسی کوردستان



در شرایط فعلی ضمانتی که
برای حفظ خودمان داریم،
اسلحه ماست.

**DR. ABDUL
RAHMAN
GHASSEMLOU**